



## چریکهای فدایی خلق ایران: جلوهای از خشم مردم نسبت به اعدامهای رژیم!

به دنبال اعدام وحشیانه دو برادر به نامهای عبدالله و محمد فتحی به اتهام دزدی مسلحانه در زندان مرکزی شهر اصفهان توسط دژخیمان جمهوری اسلامی، مراسم سوگواری و تدفین آنها توسط خانواده و مردم شاهین شهر، به جلوهای از اعتراض بر علیه حکومت تبدیل شد. صدها تن از مردم شهر و به ویژه جوانان، تابوت‌های این دو جوان را بر سر دست گرفته و با نواختن طبل و سنج و سر دادن ترانه-سرود "دایه دایه وقت جنگه" و شلیک گلوله‌های هوایی (به رسم هموطنان بختیاری) نمایشی رزم‌طلبانه به راه انداختند. در برخی لحظات این تشیع جنازه که با دست زدن، سینه زدن و هلهله راهپیمایان همراه بود شعارهای "مرگ بر این رژیم" و "مرگ بر خامنه‌ای" هم شنیده شد که پژواکگر بانگ عظیم نفرت توده‌ها از مقامات جمهوری اسلامی و کلیت نظام فرتوت آنها می‌باشد. در این مراسم، در زیر چتر حمایت مردمی، بستگان دو جوان اعدام‌شده هر یک به گونه‌ای صدای اعتراض خود را بر علیه جلادان حاکم بلند کردند و مادر آنها نوید "رفتن آخوندها" پس از مرگ فرزندان را داد. او همچنین در اعتراض به اعدام دو پسر خود ضمن گفتن این که همه یک بار می‌میرند و فرزندان من هم یک بار مردند، با نام بردن از ولی فقیه، یعنی خامنه‌ای جنایتکار و اعضای مجلس ضدخلفی و نهادهای سرکوبگر و کارگزاران مزدور، آنها را افرادی خواند که روزی صد بار می‌میرند. به این ترتیب مراسم سوگواری به بستری برای فریاد دل سوخته بستگان و مردم شرکت‌کننده در این مراسم، بر علیه حکومت داروشکنجه جمهوری اسلامی و قداره‌بندان‌اش بدل شد.

همه می‌دانند که در طول ۳۲ سال گذشته جنایت و سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام جزء لاینفک حیات ننگین رژیم جمهوری اسلامی با تمامی دارودسته‌های درونی آن بوده است. این نیز واقعیت روشنی‌ست که در ماه‌های اخیر، ماشین اعدام رژیم ضدخلفی جمهوری اسلامی در هراس از انفجار دوباره

خشم و نفرت توده‌ها با سرعتی فزاینده به کشتار و اعدام زندانیان، چه سیاسی و چه غیرسیاسی، در سطح جامعه دست زده تا با حاکم کردن جو ارباب و اختناق، حیات ننگین خود را هر چه بیشتر فزونی بخشد. موج شدید اعدام در شهرهای سراسر کشور و اعدام صدها نفر در ماه‌های اخیر در پاسخ به این نیاز ضدخلقی صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی عکس‌العمل مبارزاتی مردم شاهین‌شهر به اعدام محمد و عبدالله فتحی، شکستی برای رژیم در تحقق اهداف سرکوبگرانه‌اش بوده و رسوایی بیش از پیش آن را به نمایش گذارد.

رویداد اخیر در شاهین‌شهر و تعمق در چگونگی واکنش مردم به اعدام این دو جوان، پرده از یک واقعیت برجسته یعنی وضعیت ملت‌هت و ناپایدار جامعه تحت سلطه ما که انعکاسی از تشدید تضادهای طبقاتی در آن می‌باشد، برمی‌دارد. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که در دفاع از منافع سرمایه‌داران زالوصفت و اربابان جهانش در طول بیش از سه دهه، تسمه از گرده کارگران و توده‌های تحت ستم ما کشیده، رژیمی که با سیاستهای ضدخلقی‌اش، بیش از نیمی از آحاد جامعه را به زندگی در زیر خط فقر محکوم کرده و رژیمی که برای سرکوب کامل جنبش انقلابی در سال ۸۸ و خفه کردن هر گونه صدای مقاومت و مبارزه، در وسعت تمام کشور بساط شکنجه و چوبه‌های دار بر پا کرده است، امروز در شرایطی قرار دارد که به دلیل شدت و وسعت تضادهای طبقاتی در جامعه قادر نیست علیرغم همه اعمال جنایتکارانه‌اش مردم مبارز ما را به تمکین واداشته و سکوت قبرستاتی بر جامعه ایران حاکم گرداند. بر عکس توده‌های جان به لب رسیده ایران در هر فرصتی خشم و نفرت خود را نسبت به رژیم سراپا ننگ و جنایت جمهوری اسلامی نشان داده، عملاً به مبارزه با این رژیم دست زده و حتی با نواختن سرودهای رزمی به آن اعلان جنگ می‌دهند.

طنین‌اندازی ترانه رزمی "دایه دایه وقت جنگه" و مجموعه برخوردهای رزمجویانه در مراسم خاکسپاری محمد و عبدالله فتحی، به‌هیچوجه یک امر اتفاقی نیست. این از یک طرف انعکاس رشد شدید نفرت و خشم توده‌ها از رژیم و مقابله با حکومتی است که شمشیرها را دیگر بار از رو بسته و از طرف دیگر بیانگر بی‌ثباتی وضع ظالمانه کنونی و شکنندگی شرایطی است که رژیم جمهوری اسلامی می‌کوشد آن را به طور مذبحانه با کمک‌های عملی و پشتیبانی اربابان امپریالیست‌اش، همچنان حفظ نماید.

تاریخ سلطه جمهوری اسلامی نشان داده تا این دیکتاتوری لجام‌گسیخته بر سریر

قدرت است، زندان و شکنجه و اعدام نیز برقرار بوده و تنها راه رهائی از این وضع جنایت‌بار، تلاش دو چندان برای سرنگونی این رژیم و نابودی همه آن روابطی است که استبداد و زور و خفقان را هر روزه بازتولید می‌نمایند، یعنی روابط سرمایه داری وابسته در ایران که تنها با قطع هر گونه نفوذ امپریالیسم از جامعه ما امکان‌پذیر است.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!  
زنده باد انقلاب!

۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۰